

عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۵

محمد ابراهیم موحدی*

جمال عرف**

چکیده

این مقاله با استفاده از چارچوب نظری تلفیقی تلاش کرده است تا به سؤال محوری تحت عنوان عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور کدامند؟ پاسخ دهد. فرضیه اصلی نیز عبارت است از «اعتماد متقابل، ارزش‌های مشترک، نهادمندی سیاسی و تهدیدات سیاسی باعث خودانگیختگی احساسی شده و بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور تأثیرگذار می‌باشند». برای تأیید فرضیه از روش تحقیق آمیخته (کیفی و کمی) با انتخاب نمونه کل ۲۰۷ نفر از نخبگان سیاسی (اعضای اصلی تشکلهای سیاسی) شهر تهران استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: احساس امنیت سیاسی، نخبگان سیاسی، اعتماد متقابل، ارزش‌های

مشترک، نهادمندی سیاسی، تهدیدات سیاسی

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال شانزدهم • شماره اول • بهار ۱۳۹۲ • شماره مسلسل ۵۹

مقدمه

امنیت (سیکوریس)^۱ در لغت به معنی بدون دغدغه است. فرهنگ آکسفورد امنیت را شرایطی که در آن موجودی در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت می‌شود، معرفی می‌کند. تعاریف مندرج در فرهنگ لغات درباره مفهوم کلی امنیت بر احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۹). احساس امنیت به عنوان برساخت اجتماعی در میدان اجتماعی تولید و بازتولید می‌شود. نکته با اهمیت در این میان عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری آن می‌باشد، به بیان دیگر، احساس امنیت تحت تأثیر چه عواملی و چگونه در بستر کنش و رفتار افراد در جامعه چه به صورت فردی و چه به صورت سازمان‌یافته در گروه‌ها، نهادها، سازمان‌های اجتماعی و سیاسی و در نهایت، در بزرگ‌ترین نهاد سیاسی در سطح ملی یعنی دولت تبلور می‌یابد. اگر از منظر جامعه‌شناسی سیاسی به احساس امنیت نگریسته شود، احساس امنیت سیاسی محصول کنش متقابل اجتماعی است که از درون تعاملات متقابل افراد، گروه‌ها و نهادهای سیاسی متجلی می‌شود. به بیان دیگر، احساس امنیت سیاسی در واقع نوعی تولید اجتماعی است و همه نهادهای اجتماعی و سیاسی در شکل‌گیری آن سهیم هستند.

بنابراین، می‌توان گفت احساس امنیت سیاسی مفهوم چندوجهی و پیچیده است، زیرا اولاً احساس در فضای ذهنی و بین‌الذهانی شکل می‌گیرد. ثانیاً این احساس ناظر بر حوزه امنیت می‌باشد که خود واجد صفاتی چون ذهنی‌بودن، نسبی‌بودن و مانند آن است. ثالثاً این احساس امنیت در حوزه سیاسی می‌باشد که به تعبیر ماکس وبر حوزه قدرت است. «برداشت ما از سیاست عبارت خواهد بود از مجموعه کوشش‌هایی که به منظور شرکت در قدرت به کار می‌رود، پافشاری که در تقسیم آن اعم از اینکه بین دولت‌ها باشد یا بین گروه‌های داخلی یک کشور اعمال می‌شود» (وبر، ۱۳۶۸: ۱۰۶). از این رو، در این پژوهش تلاش شده است عوامل اجتماعی مرتبط با احساس امنیت سیاسی در بین نخبگان سیاسی که در تعریف عملیاتی، اعضای اصلی و فعال احزاب و تشکل‌های سیاسی قلمداد شده است، به عنوان مؤثرترین نیروهای سیاسی کشور که احساس امنیت و احساس ناامنی در بین آنها تأثیرات بنیادین بر حوزه سیاسی ملی خواهد داشت، شناسایی شوند.

در واقع، احساس امنیت سیاسی محصول کنش متقابل اجتماعی است که در بستر جامعه معنی و مفهوم می‌یابد. بنابراین، جوهره اجتماعی احساس امنیت سیاسی و زمینه‌وندی^۱ آن مسئله کانونی این پژوهش را شکل می‌دهد، زیرا به لحاظ جامعه‌شناختی اساساً بدون وجود ارتباط اجتماعی و کنش متقابل انسانی احساسات وجود خارجی ندارند. «احساسات چیزی است که ساختارهای فرهنگی و اجتماعی پایدار تولید می‌کند. در حقیقت، احساسات است که ساختارهای اجتماعی و نظام‌های نمادین فرهنگی پایدار را می‌سازد. احساسات می‌تواند فرد را جداگانه تحریک کند و او را به صورت گره‌خورده با ساختارهای اجتماعی قرار دهد، هم‌چنین می‌تواند سنت‌های فرهنگی را به چالش بکشد. بنابراین تجربه، رفتار، واکنش و سازمان‌دهی آن با تحرک و بیان احساسات در ارتباط است» (Turner & Jane, 2005).

شناخت و بررسی ابعاد احساس امنیت سیاسی در جامعه ایرانی از این جهت حائز اهمیت است که کنش‌گران در انجام کنش متقابل با مراجعه به ذهنیت خود در تعامل با دیگر کنش‌گران عمل می‌نمایند. از این رو، احساس آنان از فضای کنش، نقش اصلی را در شکل‌دادن به نوع کنش سیاسی آنان بازی می‌کند. به بیان دیگر، امنیت چیزی نیست که در نهایت تعاملات به دست می‌آید، بلکه هر تعامل اجتماعی نمایانگر فرصتی برای پررنگ‌کردن عناصری است که اطمینان مجدد را تقویت می‌کنند، اعتماد را بالا می‌برند و یا بالعکس موجب اتفاقات پیش‌بینی ناشدنی و آشوب‌سازانه می‌شوند (کلمنتس، ۱۳۸۴: ۲۸۸). بر این اساس، می‌توان گفت در دنیای امروز احساس امنیت سیاسی تا حدودی از عینیت امنیت سیاسی فاصله گرفته است، زیرا می‌توان شرایطی را تصور کرد که با عدم حضور عینی خطر از منظر شاخص‌های سیاسی و امنیتی، واقعاً تهدیدی صورت نگیرد ولی افراد دارای احساس امنیت سیاسی نباشند، زیرا افراد دارای آرامش و اطمینان بنیادین نیستند. همانطور که زتومکا به نقل از میسرتال می‌گوید «این تصور از جامعه کمتر با سازمان رسمی و بیشتر با احساس تعلق، اعتماد، مسئولیت و احساس وظیفه نسبت به دیگرانی سروکار دارد که ارزش‌ها، منافع و اهدافمان با آنها مشترک است» (زتومکا، ۱۳۸۶: ۱۵). از سوی دیگر، این موضوع را می‌توان از زوایای دیگر نگریست: اول از زاویه نخبگان و فعالین سیاسی غیردولتی، دوم: نخبگان و فعالین دولتی. در خصوص نخبگان

سیاسی غیردولتی، احساس امنیت سیاسی در میان آنان دارای فراز و فرود بوده است. بر این اساس، اقدامات درازمدت و پایدار در دستور کار نمی‌باشد، شاید علت آن عدم وجود احساس امنیت سیاسی پایدار و مستمر در بین نخبگان مذکور باشد و نتیجه آن بهره‌گیری از فضاهای پیش‌آمده خصوصاً در جریان انتخابات در کشور می‌باشد. کاتوزیان در این زمینه با نگاهی تاریخی جامعه ایران را واجد دو صفت کوتاه‌مدتی و کلنگی بودن می‌داند و می‌گوید: «جامعه کوتاه‌مدت جامعه‌ای است که در آن انباشت درازمدت علم و دانش، سرمایه و فرهنگ مشکل است، در نتیجه در جا می‌زند یا در اثر نوسانات گهگاهی از نو شروع می‌کند و جامعه کلنگی مکمل همین وضع است، چون خیلی از آن چیزهایی را هم که در کوتاه‌مدت ساخته خراب می‌کند، تا از نو بسازد» (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳۲). اگر از منظر نخبگان دولتی (دولت) به موضوع نگریسته شود، می‌توان گفت: اول اینکه چون دولت خود را حائز حق قانونی استفاده از ابزارهای کنترلی می‌داند، تلاش می‌کند گروه‌ها و کنش‌گران سیاسی مخالف خود را محدود سازد. همچنین، چون منابع اصلی اقتصاد در اختیار دولت قرار دارد، دولت می‌تواند به صورت ترجیحی امکانات مادی و معنوی را در اختیار کنش‌گران سیاسی قرار دهد. در نتیجه، دولت توانایی تأثیرگذاری بر ساخت احساس امنیت سیاسی را به دست می‌آورد. بنا بر آنچه گفته شد، مسئله قانونی این پژوهش شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری احساس امنیت در بین نخبگان سیاسی جامعه ایران می‌باشد و سؤال محوری آن این است که عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت سیاسی در بین نخبگان سیاسی ایران کدامند؟

در خصوص اهمیت پاسخ به این پرسش می‌توان گفت در دنیای کنونی و بالتبع جمهوری اسلامی ایران، متأثر از امواج تحولات درونی و بیرونی ضرورت حکمرانی مقبول و مشروع دو چندان شده است. جهانی شدن مرزهای بین کشورها را کمرنگ نموده و سرعت اشاعه ارزش‌های عام و فناوری را مضاعف کرده است. افزایش جمعیت، سواد، شهرنشینی، صنعتی شدن، دسترسی به رسانه‌ها و مانند آنها در سه دهه اخیر پس از پیروزی انقلاب اسلامی موجب تولید نیروهای جدید اجتماعی شده است که با جریان جهانی شدن هم‌نوایی بیشتری دارند. بنابراین، در جامعه‌ای با این مختصات اعمال حاکمیت و تولید احساس امنیت سیاسی از اهمیت مضاعف برخوردار است، زیرا تعامل نیروهای جدید اجتماعی با نظام سیاسی و دولت مشارکت‌جویانه و متقدانه می‌باشد. شناخت

عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت سیاسی بین نخبگان و کنش‌گران سیاسی و میزان تأثیرگذاری آن بر سیاست‌گذاری و نقش دوگانه دولت در تقویت و تخریب آن در جامعه ایران از ضرورت و اهمیت خاصی برخوردار است. بنابراین، می‌توان گفت اهمیت و ضرورت این تحقیق در این نکته مهم قرار دارد که در دنیای کنونی اعمال حاکمیت بدون لحاظ رضایت تابعین و مشارکت آنها در فرآیند سیاست‌ورزی اگر غیرممکن نباشد، بسیار پرهزینه است. در نتیجه، تبیین مؤلفه‌های اصلی احساس امنیت سیاسی در بین نخبگان سیاسی ایران و نیز برجسته‌ساختن نقش عوامل اجتماعی در تسهیل روابط لایه‌های جامعه سیاسی از اهمیت و ضرورت مضاعف برخوردار است، زیرا جامعه امن^۱ جامعه‌ای است که روابط متقابل لایه‌های جامعه سیاسی روان و هم‌افزا و در نهایت، برون‌داد آن تقویت دوسویه ساخت احساس امنیت سیاسی می‌باشد.

الف. پیشینه پژوهش

در حوزه احساس امنیت سیاسی پژوهش زیادی صورت نگرفته است. بنابراین، تلاش می‌شود عموم تحقیقاتی که بر احساس امنیت سیاسی و احساس امنیت عام تکیه نموده‌اند، مورد بررسی قرار گیرند:

(۱) بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس ناامنی در محله توسط لاینند ستروم و همکاران در سال ۲۰۰۳ انجام یافته است. جمعیت آماری تحقیق را افراد ۸۰-۲۰ ساله شهر مالمو سوئد با حجم نمونه ۵۶۰۰ نفر تشکیل می‌داد. در این مطالعه، سرمایه اجتماعی با توجه به عوامل فردی و جمعی (محله‌ای) سنجیده شد و منظور از عوامل محلی با محوریت شاخص شرکت در انتخابات شهری مینا قرار گرفت. نتایج نشان داد عوامل محله‌ای ۷/۲ درصد از کل واریانس احساس ناامنی افراد را تبیین می‌کند. به نظر می‌رسد مهمترین علت پائین‌بودن واریانس عامل محله‌ای، بسنده‌نمودن آنها به شاخص مشارکت می‌باشد، زیرا هسته اصلی سرمایه اجتماعی را اعتماد و شبکه‌های اجتماعی متعامل می‌سازد که در این تحقیق به آنها توجه نشده است.

۱. در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور در بند سوم ناظر بر ویژگی‌های کشور در افق ۱۴۰۴ به جامعه امن اشاره شده است.

۲) جهانی شدن فرهنگ و احساس امنیت سیاسی: مطالعه موردی جوانان شیراز، توسط آقایان اله رحم حیدری، مجید موحد و خانم حلیمه عنایت در سال ۱۳۹۰ انجام شده است. این تحقیق تنها پژوهشی است که موضوع احساس امنیت سیاسی را مورد توجه قرار داده است. محققین که از اعضای هیأت علمی دانشگاه شیراز و یاسوج هستند، در چارچوب نظری از نظریه انتقادی در حوزه مطالعات امنیتی که بر فرد در موقعیت اجتماعی، فرد در موقعیت دلخواه و فضای داشته و خواسته متمرکز است و در حوزه جهانی شدن فرهنگ از نظریه رابرتسون، گیدنز و الریش بک استفاده نموده‌اند. از نظر آنان، احساس امنیت سیاسی عبارت از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت شهروندان نسبت به عدم تضییع این حقوق توسط دولت و سازمان‌های سیاسی است و اینکه احساس کنند می‌توانند آزادانه در فعالیت سیاسی مشارکت داشته و به بیان آرا و افکار سیاسی خود بپردازند؛ همچنین احساس کنند رسانه‌ها می‌توانند آزادانه و بدون ترس به انعکاس مطالب و وقایع سیاسی کشور بپردازند.

روش تحقیق پیمایشی و استفاده از نمونه‌گیری تصادفی و بر اساس طیف لیکرت صورت گرفته است. مهم‌ترین نتایج تحقیق عبارتند از جهانی شدن فرهنگ، افزایش احساس ناامنی سیاسی را برای پاسخ‌گویانی در بر داشته که احساس می‌کنند حقوقشان در جامعه یا در مقایسه با هم‌تایانشان در کشورهای غربی کمتر رعایت می‌شود. به علاوه، کسانی که شرایط زندگی در غرب را مطلوب می‌دانند و احساس می‌کنند ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر آنجا مناسب‌تر از ارزش‌های حاکم بر جامعه ایران است، احساس امنیت سیاسی کمتری به نسبت دیگران دارند. نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد، مهم‌ترین متغیرهایی که کاهش احساس امنیت سیاسی را داشته، نگرانی آنها نسبت به عدم رعایت حقوق و شیوه زندگی خود و احساس بیگانگی فرهنگی - اجتماعی بوده است. رسانه‌ها نیز به صورت غیرمستقیم و از طریق تغییر دادن نگرش و باور آنها نسبت به شیوه مطلوب زندگی و شرایط زندگی ایده‌آل، بر احساس امنیت سیاسی پاسخ‌گویان تأثیر منفی داشته‌اند.

۳) بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)، توسط مهدی امیرکافی عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان انجام شده است. تحقیق مذکور از نوع تحلیل ثانویه بوده است. چارچوب نظری آن تلفیقی از نظریه پنجره شکسته (کلینگ

(۲۰۰۱)، نظریه تقویت ساختاری (روس ۲۰۰۱)، الگوی توسعه خطی (تونیس و دیگران) و نظریه نظم اجتماعی (چلبی ۱۳۷۵) بوده است. روش تحقیق تحلیل ثانویه با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده توسط مراکز نظرسنجی بوده است. بر اساس داده‌های موجود نشان داده شده که اکثریت پاسخ‌گویان بی‌نظمی اجتماعی و میزان بروز جرایم و بزهکاری را در سطح بالایی ارزیابی می‌کنند. در ارتباط با متغیر حمایت اجتماعی، اکثر پاسخ‌گویان نسبت به کمک دیگران در مواقع اضطراری امیدی ندارند و امداد و یاری آنها را در سطح پائینی می‌دانند. هم‌چنین پاسخ‌گویان ریسک اعتمادکردن را در موقعیت‌های مختلف زندگی روزانه بالا دانسته و احتمال زیان و آسیب را بیشتر از سود ناشی از آن برآورد می‌کنند. در نهایت، احساس امنیت به عنوان متغیر وابسته با متغیرهای بی‌نظمی اجتماعی، درک از بروز جرائم و بزهکاری، ریسک و مخاطره و حمایت اجتماعی رابطه معنی‌داری دارد.

۴) سرمایه اجتماعی و احساس امنیت؛ مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه شیراز توسط آقایان حبیب احمدی و علی عربی در سال ۱۳۹۰ انجام شده است. در این پژوهش، چارچوب نظری استفاده‌شده، نظریه کلمن و پاتنام در حوزه سرمایه اجتماعی می‌باشد. در خصوص احساس امنیت صرفاً به نظریه سلسه‌مراتب نیازهای مازلو اشاره شده است. روش تحقیق پیمایشی و با استفاده از جمعیت نمونه ۳۳۸ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در کل نشان دادند که میزان احساس امنیت در میان دانشجویان در سطح متوسط رو به پائین قرار دارد. هم‌چنین، تنها میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در سطح متوسط بوده و سرمایه برون‌گروهی در سطح متوسط به پائین ارزیابی شده است.

۵) بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی توسط سیدابوالحسن نبوی، علی حسین حسین‌زاده و سیده هاجر حسنی از اساتید دانشگاه شهید چمران اهواز انجام شده است. در این پژوهش، از نظریه تالکوت پارسنز، تد رابرت گار و باری بوزان استفاده شده و متغیر وابسته تحقیق با سه شاخص امنیت جانی، امنیت مالی و امنیت سیاسی سنجش شده است. متغیرهای مستقل عبارتند از: گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس، تلقی از قانون، ارزیابی ذهنی فرد از پایگاه اجتماعی - اقتصادی خود،

پایگاه اجتماعی-اقتصادی و احساس محرومیت نسبی. روش تحقیق پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه در بین ساکنین ۱۶ سال بالاتر شهر اهواز در سال ۱۳۸۷ صورت گرفته است. در این تحقیق از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده و حجم نمونه ۶۰۰ نفر بوده است. مهمترین نتایج این تحقیق عبارتند از: متغیرهای گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس و پایگاه اجتماعی-اقتصادی به صورت مستقیم و متغیر احساس محرومیت نسبی به طور معکوس بر احساس امنیت اجتماعی افراد تأثیرگذار هستند. متغیرهای تلقی از قانون و جنسیت تنها بر بعد امنیت جانی اثرگذار می‌باشند.

بررسی تحقیقات انجام‌یافته (در بالا به تعدادی اشاره شده است)، نشان می‌دهد اولاً این تحقیقات در حوزه امنیت و احساسات، غالباً احساس امنیت عام یا امنیت اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند، ثانیاً در خصوص متغیر وابسته (احساس امنیت) از منظر جامعه‌شناسی احساسات، کاری صورت نگرفته و صرفاً میزان آن را در طیف لیکرت مورد اندازه‌گیری قرار داده‌اند و یا آن را با صور دیگر امنیت مانند امنیت جانی، امنیت مالی و امنیت سیاسی شاخص‌سازی نموده‌اند. در این میان، تحقیق جهانی‌شدن فرهنگ و احساس امنیت سیاسی را می‌توان مرتبط‌ترین پژوهش دانست.

هدف تحقیق: شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت سیاسی در میان نخبگان

سیاسی کشور

سؤال اصلی: عوامل اجتماعی مؤثر در ایجاد احساس امنیت سیاسی در میان نخبگان

سیاسی کشور کدامند؟

سؤال فرعی: سهم هریک از عوامل چه میزان است؟

ب. مبانی نظری

احساس امنیت پدیده‌ای چندبعدی، پیچیده و سیال است. از این رو، فهم احساس امنیت شناخت عوامل تأثیرگذار بر آن خصوصاً در حوزه کنش سیاسی دشوار می‌باشد. به لحاظ مفهوم‌شناسی، احساس به معنی دریافتن، آگاه‌شدن و دیدن می‌باشد (معین، ۱۳۷۷: ۱۵۸). احساس (به معنی) دریافت، درک‌کردن، دریافتن، دیدن و یافتن، درک چیزی با یکی از حواس

می‌باشد (دهخدا، ۱۳۸۵: ۹۷). در زبان انگلیسی امنیت دارای معانی متعددی نظیر آسایش، راحتی خاطر، اطمینان، تأمین مصونیت، بی‌خطری، سلامت و استحکام است و با کلماتی نظیر سلامت، وسیله حفاظت، حفاظت‌شده، خلاصی، رهایی و قابلیت اعتماد معنی شده است (Oxford Dictionary, 1997: 1062).

اسچینیر معتقد است که امنیت هم احساس است و هم واقعیت، ولی آنها یکسان نیستند. او امنیت را نوعی برآورد^۱ می‌داند و علت اصلی فاصله گرفتن احساس امنیت از واقعیت آن را در دریافت ریسک (خطر) بیان می‌کند. از این رو، در خصوص احساس امنیت آن را عکس‌العمل روانی در مقابل ریسک و اقدام متقابل می‌داند. در ادامه به این موضوع توجه می‌دهد که انسان می‌تواند احساس امنیت داشته باشد، اما به لحاظ واقعی در شرایط ایمنی نباشد و بالعکس فرد به لحاظ واقعی در شرایط ایمن باشد ولی احساس امنیت نداشته باشد. در عین حال، یکی نبودن امنیت عینی و ذهنی به معنای بی‌ارتباط بودن آنها با یکدیگر نیست، زیرا رابطه‌ای منطقی بین بودن امنیت و احساس امنیت وجود دارد. اینکه آن رابطه چیست؟ بدون مراجعه به تعیین وضعیت‌ها و شخصیت‌هایی که در آن موقعیت قرار گرفته‌اند، مشکل است (Schneier, 2008). آنتونی گیدنز با تمرکز بر امنیت وجودی^۲ یا امنیت هستی‌شناختی آن را یکی از صورت‌های مهم احساس امنیت به معنای وسیع آن می‌داند. امنیت وجودی نشان از نیاز فردی و نیاز به اطمینان از تداوم هویت خود، دوام محیط‌های اجتماعی و مادی اطراف خود دارد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۱۰) شرمین معتقد است احساس امنیت و آسایش خاطر اشاره به شرایطی دارد که سیستم حفاظتی جامعه در مقابل جرایم و رفتارهای انومیک، از شرایط مؤثر و کارآمدی در زمینه پیشگیری از آن و اقدام مؤثر با آن برخوردار است. منوچهر لرنی احساس امنیت را حالتی می‌داند که در آن ارضای احتیاجات و خواسته‌های شخصی انجام می‌یابند و شخص در آن احساس ارزش، اطمینان خاطر و اعتماد به نفس و پذیرش از طرف گروه می‌نماید. به عبارت دیگر، امنیت روانی وضعیتی است که فرد و جامعه از احساس اطمینان، اعتماد و آرامش برخوردار می‌باشد و از احساس دلهره، اضطراب و ترس رها می‌شود. آنچه این وضعیت را به

1. Trade-off
2. Ontological Security

وجود می‌آورد، توقع و انتظار فرد در برآورده شدن و به کمال رساندن نیازهای فعلی و آینده خود و همچنین پیش‌بینی کردن نیازها و راه برآورده شدن آنها و نیز معین نمودن تهدیدها و شیوه کنترل آنها می‌باشد (لرنی، ۱۳۸۳: ۱۴۲). به نظر و لفرز، امنیت در معنای عینی نشان‌دهنده نبود تهدیدات نسبت به ارزش‌های تحصیل شده است و در معنای ذهنی بر نبود ترس نسبت به اینکه ارزش‌ها مورد هجوم واقع شوند، می‌باشد (بوزان، ۱۳۸۹: ۳۲). آرت می‌گوید امنیت، احساس آزادی از تهدیدات، اضطراب و خطر است. احساس ایمنی از صدمات احتمالی توسط دیگران است. واژه امنیت در زبان عربی، دارای ریشه امن است و به معنای آسودگی، آرامش، اطمینان، ایمنی روحی، فکری، ایمنی از ترس و وحشت و ایمنی از بلا یا آورده شده است. این واژه هم برای افراد به کار برده شده و هم برای مکان‌ها نظیر شهرهای امن که در آن صلح و صلاح وجود دارد (امانت، ۱۳۷۹: ۱۱). حیدری و همکاران احساس امنیت سیاسی را نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت شهروندان نسبت به عدم تضییع حقوق سیاسی خود توسط دولت و سازمان‌های سیاسی می‌دانند و این احساس که می‌تواند آزادانه در فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشته و به بیان آرا و افکار سیاسی خود پردازند و همچنین احساس کنند رسانه‌ها می‌تواند آزادانه و بدون ترس به انعکاس مطالب و وقایع سیاسی کشور پردازند (حیدری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

آیه الله خامنه‌ای رهبر معظم ضمن تأکید بر موضوع امنیت سیاسی آن را این‌گونه تعریف می‌کنند: «امنیت سیاسی معنایش این است که تفکرات و معارف سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دوگونه‌گویی و دوگونه‌اندیشی باشد. معنایش این است که کسانی که متصدی بیان مسائل سیاسی برای مردم هستند، نسبت به مردم امانت به خرج دهند. معنایش این است که کسانی که متصدی نوشتن و پخش کردن و منتشرکردن معارف فکری جامعه هستند، دروغ نگویند، فریب ندهند، تقلب نکنند و در طعمای که علی‌الظاهر شیرین است، زهر مخلوط نکنند، این امنیت سیاسی است...» (بیانات، ۱۳۸۷). با امعان نظر به سخنان فوق می‌توان گفت ایشان با بیان آسیب‌هایی که منجر به ناامنی سیاسی و فکری در جامعه می‌شود، در واقع احساس امنیت سیاسی را بیان می‌کنند. به بیان دیگر احساس امنیت سیاسی در جامعه زمانی به وجود می‌آید که افراد در تعاملات اجتماعی بر اساس اطمینان و اعتماد متقابل عمل نمایند، در جامعه‌ای که دروغ،

نفاق و به طور کلی عدم اطمینان از کنش متقابل رواج داشته باشد، احساس امنیت سیاسی وجود ندارد. از سوی دیگر، ایشان در خصوص رعایت حقوق کنش‌گران سیاسی می‌گویند: «اگر به اسم انقلابی‌گری، امنیت را از بخشی از مردم سلب کنیم، این هم از مصادیق انحراف از خط امام عزیزمان است... اما اگر کسی دنبال براندازی و اجرای دستور دشمن نیست ولی با مذاق و تفکر سیاسی ما مخالف است، نباید عدالت و امنیت را از او سلب و او را زیر پا له کنیم، چرا که به فرموده قرآن مخالفت با یک قوم نباید موجب بی‌تقوایی و بی‌عدالتی شود...» (بیانات، ۱۳۹۰).

در این پژوهش برای مطالعه و بررسی احساس امنیت سیاسی در بین نخبگان کشور به مثابه برساخت اجتماعی زمینه‌وند که توسط نخبگان سیاسی در کنش متقابل ساخته می‌شود، از چارچوب نظری تلفیقی جاناتان اچ. ترنر، باری بوزان، الکساندر ونت و ساموئل هانتینگتون استفاده شده است. ضمن آنکه از دیدگاه اسلامی نیز بر مبنای مفاهیم عقیدتی و فرهنگی چون اسلام، ولایت فقیه، کرامت انسانی، اتکا به آرای عمومی و مانند آن برای غنای چارچوب نظری و شاخص‌سازی استفاده شده است.

بر اساس نظریه جاناتان اچ. ترنر که در واقع سنتز نظرات در حوزه جامعه‌شناسی احساس می‌باشد - او با استفاده از نکات برجسته نظرات در مکاتب ساختاری، تضاد، کنش متقابل نمادین و مبادله نظریه خود را تنظیم نموده است. - موضوع برانگیختگی احساسی^۱ از اهمیت مضاعفی برخوردار است (می‌توان گفت نقش این عنصر در نظریه ترنر معادل مفهوم محرومیت نسبی در نظریه تد رابرت گار می‌باشد). او می‌گوید: این فرآیند با یک سری توقعات از منابع مختلف آغاز می‌شود؛ به نوبه خود، این توقعات به عنوان بخشی از تعریف وضعیت در توقع به وجود آمده درباره آنچه در تعامل رخ خواهد داد، مورد مقایسه قرار می‌گیرند. «خود» نوع خاصی از توقع است، زیرا زمانی که برجستگی آن قبل، طی و بعد از تعامل بالا باشد، تأثیر نامتناسبی بر احساسات خواهد گذاشت. احساسات بر اساس میزان تجانس یا عدم تجانس میان آنچه انتظار می‌رود و آنچه تجربه می‌شود، در یک وضعیت برانگیخته می‌شوند و چنانچه میزان عدم تجانس بالا باشد، برانگیختگی احساسی حادث خواهد شد.

تمایز میان خودی و غیرخودی در اجتماع امنیتی^۱ (جامعه امن) می‌باشد، در شکل‌گیری احساس امنیت یا نا امنی را برجسته و بر عوامل روانی و اجتماعی چون اعتماد، انسجام، توافق بر پایه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و بین‌الذهانی مشترک، هویت جمعی و سیاسی، تعاملات پایدار، وابستگی متقابل، نهادهای مشترک، اعتماد متقابل، هنجارها و ایده‌های مشترک و ثبات سیاسی تأکید می‌کنند (عبداله خانی، ۱۳۸۹). بوزان نیز با تمرکز بر بعد بین‌الذهنی امنیت معتقد است اکثر تهدیداتی که متوجه افراد است ناشی از این حقیقت می‌باشد که آنان در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط موجد انواع فشارهای غیر قابل اجتناب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و تأکید می‌کند اگر رابطه دوله امنیت فرد و دولت به عنوان وضعیت انسانی تلقی شود، آنگاه اتباع دولت با تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم دولت روبه‌رو می‌شوند. او در نهایت می‌گوید: «تهدیدات موجود در جامعه به اشکال متنوعی رخ می‌دهد ولی اصولاً سه (چهار) نوع هستند: تهدیدات فیزیکی (آزار، صدمه و مرگ) تهدیدات اقتصادی (تصرف یا تخریب اموال، محرومیت از دستیابی به مشاغل یا منافع)، تهدید حقوق (زندانی ساختن و محرومیت از آزادی‌های مدنی) و تهدید موقعیت و مناصب (تنزل درجه یا تحقیر عمومی)» (بوزان، ۱۳۸۹: ۵۴).

هانتینگتون نیز بین مدرنیزه‌شدن، نهادی‌شدن و احساس امنیت سیاسی، با دیدگاه کارگردگرایانه معتقد است نوسازی دارای تغییرات شدید و سریع می‌باشد که نتیجه آن نابسامانی‌های سیاسی است (عدم ایمنی و احساس ایمنی). این موضوع در رابطه با نهادی‌نشدن نیازهای سیاسی در فرایند مدرنیزه‌شدن می‌باشد. بنابراین، برای جلوگیری از آن بایستی دست به نهادمندی زد. در اندیشه بوزان و ونت احساس امنیت واجد دو خصلت اصلی زمینه‌وند بودن و ارتباط آن با ساختارهای جامعه و نیز ذهنی‌بودن و نسبی‌بودن آن می‌باشد، اما اولی بر تهدیدات سیاسی علیه شهروندان و نخبگان تکیه دارد و دومی بر عوامل اجتماعی شکل‌گیری احساس امنیت تأکید می‌کند، از سوی دیگر وجه مشترک دیدگاه ونت و هانتینگتون نیز تأکید بر نهادمندی سیاسی و اجتماعی می‌باشد.

۱. از نظر سازه‌انگاران اجتماع امنیتی، اجتماع گروهی از مردم بر محوری واحد (ارزش‌ها و هنجارهای مشترک) بر اساس اطمینان متقابل است که با یکدیگر نزاع نمی‌کنند و اختلافشان را با گفتگو و مسالمت‌آمیز حل و فصل می‌نمایند. این مفهوم با جامعه امن اشاره‌شده در بند سوم سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور مطابقت دارد.

با استفاده از مدل تلفیقی سطوح کلان و خرد و عینی و ذهنی، می‌توان گفت احساس امنیت سیاسی در **سطح کلان عینی** متأثر از دولت و سازمان‌ها و نهادهای امنیت‌ساز هستند که عملکرد آنان در شکل‌گیری احساس مذکور مؤثر است. بدین معنی که اگر نخبگان سیاسی احساس کنند **نهادهای سیاسی** مناسب جهت مشارکت سیاسی وجود دارد، یا در تجربه خود آنها را احساس کنند، تجانس در آنها ایجاد و در نهایت، منجر به احساس امنیت سیاسی خواهد شد. قاعدتاً عکس وضعیت موصوف نیز وجود خواهد داشت، که منجر به ایجاد احساس ناامنی سیاسی در بین آنان می‌گردد.

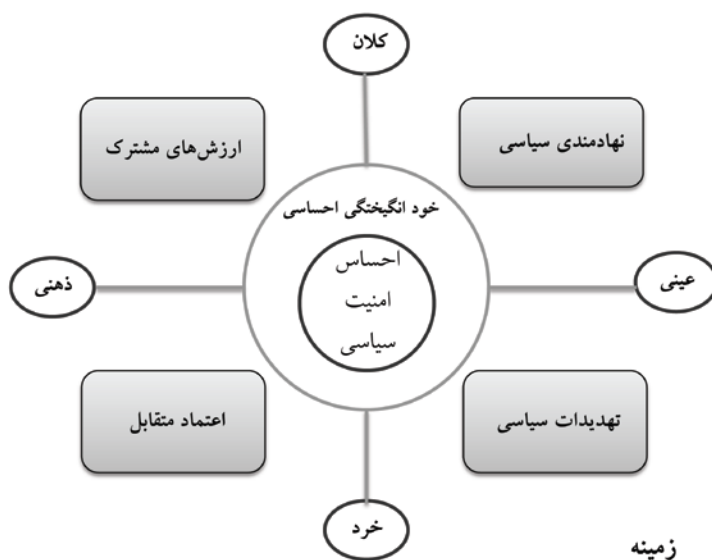
در **سطح کلان ذهنی** ارزش‌ها، باورها و هنجارهای مشترک امنیت‌ساز قرار دارند که نقش اساسی در شکل‌گیری احساس امنیت سیاسی در بین نخبگان سیاسی دارند. از نظر جامعه شناختی (احساس) امنیت سیاسی با میزان وفاق ارزشی حوزه اجتماعی و حوزه سیاسی ارتباط تنگاتنگ دارد، زیرا هر چه وفاق ارزشی کمتر باشد، دولت برای اعمال حاکمیت بیشتر به زور و قدرت متوسل می‌شود، که به ایجاد وفاق سیاسی شکننده و بی‌دوام می‌انجامد. در مقابل، وجود ارزش‌های مشترک بین دولت و جامعه (نخبگان سیاسی) به ایجاد نوعی وفاق اجتماعی و نظم با دوام‌تر می‌انجامد، به عبارتی اگر نظم سیاسی معرف آرزوها، تمایلات و خواسته‌های جامعه نباشد، دولت به بهانه‌های مختلف در عرصه زیست جهان افراد دخالت می‌کند و موجب ناامنی و سلب آسایش و آرامش آنان می‌شود (افروغ، ۱۳۸۱: ۲۴۸). بنابراین **ارزش‌های مشترک** بین نخبگان سیاسی و دولت که ایجاد نوعی هویت جمعی می‌نماید، در ایجاد احساس امنیت سیاسی تأثیرگذار می‌باشند. در غیر این صورت در بین نخبگان سیاسی احساس ناامنی سیاسی به وجود خواهد آمد.

در **سطح خرد عینی** در حقیقت رفتار و تعاملات متقابل و قابل پیش‌بینی است که برای نخبگان سیاسی تولید احساس امنیت سیاسی می‌کند. وجود **تهدیدات سیاسی** چون تهدیدات فیزیکی، اقتصادی، حقوقی و موقعیتی بر ایجاد احساس امنیت سیاسی از یک‌سو و ناامنی سیاسی از سوی دیگر، در بین نخبگان سیاسی تأثیرگذار هستند. در نهایت، **سطح خرد ذهنی** است که فضای ادراکات متقابل و مشترک را بر اساس **اعتماد متقابل** تولید و باعث شکل‌گیری احساس

امنیت سیاسی می‌شود. بنابراین، اعتماد متقابل بین نخبگان سیاسی و دولت و سایر بازیگران سیاسی مهم‌ترین عامل احساس امنیت سیاسی بین نخبگان سیاسی در کشور می‌باشد. در غیر این صورت و عدم وجود اعتماد متقابل، رفتارها غیر قابل پیش‌بینی شده، ضریب ریسک و خطر افزایش یافته و منجر به ایجاد احساس ناامنی سیاسی در بین نخبگان سیاسی کشور می‌شود.

نمودار (۲): مدل مفهومی

مدل مفهومی



فرضیه اصلی: ارزش‌های مشترک، اعتماد متقابل، نهادمندی سیاسی و تهدیدات سیاسی باعث خودانگیختگی احساسی شده و بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور تأثیرگذار می‌باشند.

فرضیه فرعی: اعتماد متقابل بیشترین نقش را در احساس امنیت سیاسی و تهدیدات سیاسی بیشترین نقش را در احساس ناامنی سیاسی دارند.

روش تحقیق: این تحقیق از حیث نوع کاربردی و توسعه ای و از حیث روش آمیخته (کیفی و کمی) می‌باشد. ضمن استفاده از روش اسنادی از تکنیک مصاحبه گروهی^۱ و نیز پرسشنامه نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام کرده است.

بر اساس اطلاعات موجود تا سال ۱۳۹۰ شمسی قریب ۲۴۰ تشکل سیاسی و سیاسی-صنفي از مراجع قانونی مجوز دریافت نموده‌اند.^۲ بر اساس نظر آگاهان و مطلعین از این تعداد حدود ۱۵-۱۰٪ تشکل فعال می‌باشند. جامعه آماری تحقیق حاضر اعضای شورای مرکزی خانه احزاب کشور و فعالین در تشکل‌های سیاسی مستقر در شهر تهران می‌باشد، ضمناً براساس نظر گال (۱۳۸۷: ۳۶۵) و فیلک (۱۳۸۷: ۱۴۳) برای انجام نمونه‌گیری افرادی انتخاب می‌گردند که دارای اطلاعات بالایی در موضوع می‌باشند. بنابراین، برای روش کیفی از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده و برای روش پیمایشی از روش ممکن الوصول استفاده شده است (۲۷ نفر در مصاحبه گروهی و ۱۸۰ نفر در مرحله پیمایش). روایی و پایایی متغیرها و شاخص‌های پژوهش با آلفای کرونباخ به دست آمده که معادل ۰/۸۸۴ بزرگ‌تر از ۰/۷ می‌باشد. در نتیجه، از روایی و پایایی لازم برخوردار هستند.

بنابراین، داده‌های این تحقیق از دو روش کیفی و کمی به دست آمده است، بر اساس شیوه سوم مایلز و هوبرمن مطالعه اکتشافی به صورت کیفی از طریق مصاحبه گروهی متمرکز صورت گرفت. در این مرحله تلاش زیادی شد اطلاعات نسبتاً عمیق در مصاحبه‌ها به دست آید. بنابراین در ابتدای مصاحبه‌ها بر اساس سنت مرتون ابتدا سئوالات باز مورد پرسش قرار گرفت و سپس به صورت حرکت قیفی سئوالات نیمه‌باز مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفت. پس از انجام مرحله اکتشافی، اطلاعات کمی از طریق پیمایشی در دستور قرار گرفت و از میان تشکل‌های فعال و فراگیر در شهر تهران، ۲۵ تشکل سیاسی و صنفی با برش ۱۰ تشکل

۱. اولین بار مرتون و همکارانش (۱۹۵۶) از مصاحبه گروهی استفاده کردند، روشی که تا به امروز در مطالعه متعددی به کار گرفته شده است (فونتانو و فری، ۲۰۰۰: ۶۵۲). برای مثال پاتون مصاحبه گروهی را این‌گونه تعریف می‌کند: مصاحبه گروهی متمرکز مصاحبه ای است با گروهی کوچکی از افراد درباره یک موضوع خاص، این گروه معمولاً از شش تا هشت نفر تشکیل می‌شود و مصاحبه بین یک و نیم تا دو ساعت به طول می‌انجامد (پاتون، ۲۰۰۲: ۳۸۵)... به عقیده پاتون مصاحبه گروهی تکنیک بسیار کارآمدی برای گردآوری داده‌های کیفی است که امکان کنترل کیفیت گردآوری داده‌ها را میسر می‌سازد... دست‌یابی به پاسخی ورای پاسخ یک مصاحبه شونده تنها (فیلک، ۱۳۸۷: ۲۱۲).

۲. فهرست اسامی احزاب و تشکل‌های سیاسی و صنفی از پورتال وزارت کشور به دست آمده است.

اصول‌گرا، ۱۰ تشکل اصلاح‌طلب و ۵ تشکل مستقل انتخاب و با مراجعه به اعضای شورای مرکزی آنها پرسشنامه تکمیل گردید.

۱. مرحله اکتشافی

در مرحله اکتشافی تلاش شد ضمن مصاحبه با ۵۰٪ از اعضای شورای مرکزی دوره آخر خانه احزاب کشور برای اتقان کار تعدادی از اعضای ادوار شورای مرکزی نیز مورد مصاحبه قرار گیرند. نخست ویژگی‌های جمعیت نمونه مصاحبه گروهی به شرح زیر معرفی می‌گردد:

جدول (۱): ویژگی‌های جمعیت نمونه مصاحبه گروهی

جنس	مرد ۲۲ نفر (٪۸۱/۴۸)	زن ۵ نفر (٪۱۸/۵۲)	-----	کل ۲۷ نفر (٪۱۰۰)
تحصیلات	لیسانس ۷ نفر (٪۲۶)	فوق لیسانس ۱۳ نفر (٪۴۸)	دکتری ۷ نفر (٪۲۶)	کل ۲۷ نفر (٪۱۰۰)
گرایش سیاسی	اصول‌گرا ۱۰ نفر (٪۳۷/۰۵)	اصلاح‌طلب ۱۲ نفر (٪۴۴/۴۴)	مستقل ۵ نفر (٪۱۸/۵۱)	کل ۲۷ نفر (٪۱۰۰)

با توجه به جدول فوق مشخص می‌گردد که اکثریت مشارکت‌کنندگان در مصاحبه را مردان تشکیل می‌دهند که با جامعه آماری نیز تطابق دارد. بر اساس تحصیلات نیز اکثریت مشارکت‌کنندگان دارای مدرک کارشناسی ارشد می‌باشند. در خصوص گرایش سیاسی مشارکت‌کنندگان می‌توان گفت در مقام دعوت تلاش شد بین دو گرایش سیاسی اصلی کشور توازن وجود داشته باشد، لکن در مقام حضور تعدادی از دعوت‌شدگان حاضر به مصاحبه نشدند و این نکته بر درصد گرایش‌های سیاسی مصاحبه‌شوندگان تا حدود کمی تأثیرگذار بوده است.

با توجه به اینکه مصاحبه گروهی به صورت پنچ پنل متشکل از گرایش‌های سه‌گانه اصول‌گرا، اصلاح‌طلب و مستقل انجام گردید، ابتدا توضیحات لازم در خصوص موضوع پژوهش در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار داده می‌شد، سپس سؤال باز با این عنوان "به نظر شما نخبگان سیاسی کشور تا چه میزان احساس امنیت سیاسی در جامعه دارند؟" مطرح گردید. برای اینکه به توان

چارچوب تعریف شده‌ای برای این سؤال باز در نظر گرفت، در ادامه مصاحبه از افراد خواسته می‌شد با در نظر گرفتن طیف مندرج بین ۱-۱۰ (یک به معنی عدم وجود احساس امنیت سیاسی (ناامنی کامل) و ده به معنی وجود امنیت سیاسی کامل) نمره‌ای را به احساس خودشان و سایر نخبگان سیاسی بدهند، که در بسیاری از مواقع این دو عدد یکسان بود.

در خصوص سؤال فوق اظهارات و قرائن و شواهدی که نخبگان سیاسی برای احساس امنیت سیاسی خود بیان می‌کردند، در مجموع این عدد زیر میانگین طیف و معادل عدد ۴ به دست آمده است. در ادامه مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا عوامل مؤثر بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور را بیان نمایند؟ پس از دسته‌بندی، پالایش و مقوله‌بندی نظرات عمده‌ترین عوامل مؤثر بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور از منظر مصاحبه‌شوندگان که خود نیز جز نخبگان سیاسی بودند، عبارتند از:

جدول (۲): نظر مصاحبه‌شدگان در خصوص عوامل مؤثر بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور

عوامل	فراوانی	درصد
اعتماد/ اعتماد متقابل/ سرمایه اجتماعی	۱۳	۲۴
حاکمیت قانون (قانون‌مندی)	۱۴	۲۵/۹
تهدید: جلب/ شغلی/ تحقیر/ تحریم	۶	۱۱/۱
ارزش‌های مشترک	۴	۷/۴
نهادمندی سیاسی (وجود احزاب کارآمد...)	۴	۷/۴
رضایت‌مندی	۳	۵/۵
عملکرد نهادهای حکومتی خصوصاً نظارتی	۳	۵/۵
آزادی‌های مصرح در قانون اساسی	۳	۵/۵
تحمل و مدارا	۲	۳/۷
بی‌توجهی به نخبگان سیاسی	۲	۳/۷
جمع کل	۵۴	۱۰۰

تذکر این نکته خالی از فایده نیست که برای دسته‌بندی و مقوله‌بندی، عواملی مورد بررسی و توجه قرار گرفت که حداقل دونفر از مصاحبه‌شوندگان روی آنها اشتراک نظر داشته‌اند. با

نگاهی به عوامل مؤثر بر احساس امنیت سیاسی بین نخبگان سیاسی کشور بیان شده از سوی مصاحبه‌شوندگان، نکاتی چند قابل تأمل می‌باشد:

۱. آنان به هر دو وجه ایجابی و سلبی احساس امنیت سیاسی توجه داشته‌اند.
۲. از نظر آنان حاکمیت قانون به معنی قانون‌مندی رفتار متقابل بین دولت و نخبگان سیاسی مهم‌ترین عامل شکل‌دادن احساس امنیت سیاسی با ۲۶٪ و در مقابل، عدم قانون‌مندی باعث شکل‌گیری احساس ناامنی سیاسی می‌باشد. برخی از مصادیق ناامنی سیاسی از منظر نخبگان سیاسی عبارتند از فقدان قانون رسیدگی به جرم سیاسی، ضعف قانون احزاب، نارسایی در قانون انتخابات و مانند آنها. از سوی دیگر، رفتار قانون‌مند و قابل پیش‌بینی یکی از شاخص‌های اصلی متغیر اعتماد متقابل در این پژوهش نیز می‌باشد.
۳. دومین عامل از منظر مصاحبه‌شوندگان مفهوم اعتماد متقابل بین نخبگان سیاسی و دولت با ۲۴٪ می‌باشد، برخی از مصاحبه‌شوندگان از سازه سرمایه اجتماعی که در قانون آن مفهوم اعتماد قرار دارد، استفاده کرده‌اند که از نظر محقق این دو مفهوم وجه اشتراک زیادی دارند. اگر دو عامل فوق را ترکیب نمائیم، می‌توان گفت متغیر اعتماد متقابل ۵۰٪ از متغیر وابسته (احساس امنیت سیاسی) را توضیح می‌دهد (این عدد مطابق عدد به دست آمده در مرحله پیمایشی می‌باشد).
۴. وجود تهدید علیه نخبگان سیاسی نقش مهمی در احساس ناامنی در بین آنان با ۱۱٪ بازی می‌کند. صور این تهدید به بیان نخبگان سیاسی عبارتند از: توهین، تحقیر، تحریم یا ایزوله کردن آنان و فقدان امنیت شغلی.
۵. عواملی چون ارزش‌های مشترک و نهادمندی سیاسی هر کدام با بیش از ۷٪، چگونگی رفتار نهادهای حاکمیتی و رعایت آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و رضایت‌مندی با بیش از ۵٪ در شکل‌دادن احساس امنیت سیاسی در بین نخبگان سیاسی کشور تأثیرگذار می‌باشند. در جمع‌بندی مرحله اکتشافی می‌توان گفت عموم متغیرهای مستقل پژوهش مورد تأیید قرار گرفت.

۲. مرحله پیمایشی

در ادامه، ضمن معرفی جمعیت نمونه پژوهش نتایج روش کمی بیان می‌گردد و سپس فرضیات تحقیق مورد آزمون قرار می‌گیرد.

جدول (۳): مشخصات فردی پاسخ‌گویان

تعداد پاسخ‌گویان		گویه‌ها	مشخصات فردی
درصد	مطلق		
۶۵.۶	۱۱۸	مرد	جنس
۳۱.۷	۵۷	زن	
۲.۸	۵	بی‌جواب	
۱۶.۶	۳۰	۲۴-۳۴ سال	سن
۳۸.۳	۶۹	۳۵-۴۴ سال	
۲۶.۱	۴۷	۴۵-۵۴ سال	
۱۰	۱۸	۵۵-۶۴ سال	
۸.۹	۱۶	بی‌جواب	
۲۳.۳	۴۲	زیر ۵ سال	سابقه سیاسی
۱۲.۲	۲۲	۶-۱۰ سال	
۱۸.۳	۳۳	۱۱-۱۵ سال	
۱۲.۲	۲۲	بیش از ۱۵ سال	
۳۳.۸	۶۱	بی‌جواب	
۵	۹	حوزوی	تحصیلات
۶.۱	۱۱	فوق دیپلم	
۳۶.۶	۶۶	لیسانس	
۴۰	۷۲	فوق لیسانس	
۸.۸	۱۶	دکتر	
۳.۳	۶	بی‌جواب	
۹.۴	۱۷	دانشگاهی	شغل
۱۰	۱۸	فرهنگی	
۱۲.۷	۲۳	آزاد	
۵	۹	روحانی	
۳.۳	۶	مطبوعاتی	
۲۷.۷	۵۰	کارمند	
۸.۸	۱۶	مدیر	
۱۱.۱	۲۰	کارشناس	
۱۱.۶	۲۱	بی‌جواب	
۱۰۰	۱۸۰	جمع پاسخ‌گویان	

جدول (۴): توزیع فراوانی پاسخ‌گویان درباره گرایش‌های سیاسی

تعداد پاسخ‌گویان		پاسخ‌ها
درصد	مطلق	
۴۴.۴	۸۰	اصول‌گرا
۴۴.۴	۸۰	اصلاح‌طلب
۱۱.۱	۲۰	میانه / مستقل
۱۰۰	۱۸۰	جمع

جدول فوق نشان می‌دهد بین گرایش‌های سیاسی موجود در کشور توازن وجود دارد و دو گروه سیاسی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب هر کدام معادل ۴۴/۴٪ و گروه سیاسی میانه، معادل ۱۱.۱٪ در جمعیت نمونه حضور دارند.

جدول (۵): توزیع فراوانی پاسخ‌گویان درباره نهادمندی سیاسی

تعداد پاسخ‌گویان										گویه‌ها
بی‌جواب		اصلاً		کم		متوسط		زیاد		
درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	
۲.۷	۵	-	-	۵.۵	۱۰	۲۸.۸	۵۲	۶۲.۷	۱۱۳	وجود سابقه فعالیت تشکلهای سیاسی بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور به چه مقدار تأثیرگذار است؟ (عمر تشکل)
۱.۶	۳	-	-	۹.۴	۱۷	۲۲.۲	۴۰	۶۶.۶	۱۲۰	تعدد و تنوع تشکلهای سیاسی به چه مقدار بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور تأثیرگذار است؟
۱.۶	۳	-	-	۹.۴	۱۷	۲۸.۸	۵۲	۶۰	۱۰۸	کارایی تشکلهای سیاسی به چه مقدار بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور تأثیرگذار است؟
۲.۲	۴	-	-	۶.۱	۱۱	۲۰	۳۶	۷۱.۶	۱۲۹	کارآمدی تشکلهای سیاسی به چه مقدار بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور تأثیرگذار است؟

بنا بر جدول فوق متغیر نهادمندی سیاسی با ۴ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. در گویه اول وجود سابقه با ۶۲/۷٪ مورد تأکید پاسخ‌گویان قرار گرفته است، بدین معنی که وجود احزاب و تشکل‌های سیاسی دارای سابقه بر احساس امنیت سیاسی آنان مؤثر است. در گویه دوم وجود تعدد و تنوع تشکل‌های سیاسی معادل ۶۶/۶٪ مؤثر ارزیابی شده است. در خصوص کارایی تشکل‌های سیاسی نیز ۶۰٪ از پاسخ‌گویان و کارآمدی تشکل‌های سیاسی ۷۱/۶٪ از پاسخ‌گویان مؤثر بر احساس خود می‌دانند. در این میان، نقش کارآمدی تشکل‌ها به معنی میزان نیل آنان به اهداف مورد نظر از نظر پاسخ‌گویان تأثیرگذارتر می‌باشد.

جدول (۶): توزیع فراوانی پاسخ‌گویان درباره ارزش‌های مشترک

تعداد پاسخ‌گویان										گویه‌ها
بی‌جواب		اصلاً		کم		متوسط		زیاد		
درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	
۱.۶	۳	۱.۱	۲	۱۷.۲	۳۱	۳۰.۵	۵۵	۴۹.۴	۸۹	به نظر شما تلقی نخبگان سیاسی از نقش دین در اداره جامعه با نظام سیاسی تا چه مقدار مشترک است؟
۱.۶	۳	۱.۶	۳	۱۱.۶	۲۱	۳۲.۲	۵۸	۵۲.۷	۹۵	به نظر شما تلقی نخبگان سیاسی از نقش رهبری (ولایت فقیه) در اداره جامعه با نظام سیاسی تا چه مقدار مشترک است؟
۲.۲	۴	۱.۱	۲	۱۵	۳۷	۲۷.۷	۵۰	۴۸.۳	۸۷	به نظر شما تلقی نخبگان از نقش مردم در اداره جامعه با نظام سیاسی تا چه مقدار مشترک است؟
۲.۲	۴	۰.۵	۱	۲۲.۲	۴۰	۳۲.۷	۵۹	۴۲.۳	۷۶	به نظر شما تلقی نخبگان سیاسی از کرامت انسانی با نظام سیاسی تا چه مقدار مشترک است؟
۲.۷	۵	۰.۵	۱	۲۰	۳۶	۳۲.۷	۵۹	۴۳.۷	۷۹	به نظر شما تلقی نخبگان سیاسی از مردم‌سالاری دینی (اسلامی) با نظام سیاسی تا چه مقدار مشترک است؟

متغیر ارزش‌های مشترک که در شکل‌گیری هویت جمعی نقش مهمی را به عهده دارد، با پنج گویه مورد پرسش قرار گرفت. در خصوص میزان تطابق دیدگاه‌های نخبگان سیاسی و

نظام سیاسی (به معنی کلیت نظام سیاسی نه صرفاً دولت به عنوان قوه مجریه) در خصوص عنصر کلیدی نقش دین در اداره جامعه تقریباً ۱/۲ از جمعیت نمونه قائل به اشتراک نظر می‌باشند (۴/۴۹٪) و در مقابل ۱۷/۲٪ این اشتراک را کم و خیلی کم می‌دانند. در خصوص نقش رهبری (ولایت فقیه) در اداره جامعه، بیش‌تر از نیمی از پاسخ‌گویان (۷/۵۲٪) قائل به اشتراک نظر می‌باشند و ۱۱/۶٪ این اشتراک نظر را کم و خیلی کم می‌دانند. در خصوص نقش مردم در اداره جامعه، کمتر از نیمی از پاسخ‌گویان (۳/۴۸٪) قائل به اشتراک نظر هستند و در مقابل، ۱۵٪ قائل به اشتراک نظر کم و خیلی کم می‌باشند. در خصوص کرامت انسانی، از نظر پاسخ‌گویان اشتراک نظر بین نخبگان سیاسی و نظام سیاسی حدود ۲/۴۲٪ می‌باشد که در میان گویه‌های این متغیر از نسبت پائینی برخوردار است. در خصوص مردم‌سالاری دینی (اسلامی) از نظر پاسخ‌گویان اشتراک نظر بین نخبگان و نظام سیاسی معادل ۸/۴۳٪ می‌باشد.

جدول (۷): توزیع فراوانی پاسخ‌گویان دربارهٔ اعتماد متقابل

تعداد پاسخ‌گویان										گویه‌ها
بی‌جواب		اصلاً		کم		متوسط		زیاد		
درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	
۲.۲	۴	۱.۱	۲	۲۸.۸	۵۲	۲۶.۱	۴۷	۴۱.۵	۷۵	به نظر شما نخبگان سیاسی کشور تا چه میزان احساس خودی تلقی شدن از سوی نظام سیاسی را دارند؟
۱.۶	۳	۱.۱	۲	۱۸.۳	۳۳	۲۶.۶	۴۸	۵۲.۲	۹۴	به نظر شما احساس تعلق و وفاداری به نظام سیاسی در بین نخبگان سیاسی به چه میزان می‌باشد؟
۱.۶	۳	۱.۶	۳	۲۹.۳	۵۳	۳۲.۲	۵۸	۳۵	۶۳	به نظر شما نخبگان سیاسی به چه میزان رفتارهای نظام سیاسی را قانون‌مند و قابل پیش‌بینی می‌دانند؟
-	-	-	-	۴۰.۵	۷۳	۲۴.۴	۴۴	۳۵	۶۳	ارتباطات و تعاملات متقابل بین نخبگان سیاسی و نظام سیاسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۱.۱	۲	-	-	۳۲.۷	۵۹	۳۳.۸	۶۱	۳۲.۲	۵۸	همکاری متقابل بین نخبگان سیاسی و نظام سیاسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۳.۳	۶	۰.۵	۱	۲۹.۴	۵۳	۳۰.۵	۵۵	۳۶.۱	۶۵	نخبگان سیاسی کشور مسئولیت‌پذیری نظام سیاسی را تا چه میزان می‌دانند؟

متغیر اعتماد متقابل به عنوان کانونی‌ترین متغیر این پژوهش با ۶ گویه مورد پرسش قرار گرفته است. در گویه اول میزان احساس خودی تلقی‌شدن/کردن از سوی نخبگان سیاسی مورد سؤال قرار گرفت که ۴۱/۶٪ این احساس را دارند. در مقابل ۲۸/۸٪ این احساس را ندارند یا به مقدار کم یا خیلی کم دارند. در خصوص احساس تعلق و وفاداری نخبگان به نظام سیاسی، ۵۲/۲٪ احساس تعلق را دارند و تنها ۱۸/۳٪ این احساس را به مقدار کم و خیلی کم دارند. در خصوص رفتارشناسی نظام سیاسی ۳۵٪ یعنی کمی بیشتر از ۱/۳ رفتار نظام سیاسی را قانون‌مند و قابل پیش‌بینی می‌دانند و در مقابل، ۲۹/۴٪ رفتار قانون‌مند و قابل پیش‌بینی را کم و خیلی کم می‌دانند. ارتباطات و تعاملات نخبگان سیاسی با نظام سیاسی که یکی از شاخص‌های اعتماد متقابل است را پاسخ‌گویان معادل ۳۵٪ زیاد و خیلی زیاد و در مقابل ۴۰/۵٪ کم و خیلی کم می‌دانند. بنابراین، می‌توان گفت یکی از مشکلات اصلی بین آنان و نظام سیاسی "ارتباط متقابل" است.

جدول (۸): توزیع فراوانی پاسخ‌گویان درباره تهدیدات سیاسی

تعداد پاسخ‌گویان										گویه‌ها
بی‌جواب		اصلاً		کم		متوسط		زیاد		
درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	
-	-	۱.۶	۳	۱۸.۳	۳۳	۲۳.۸	۴۳	۵۶.۶	۱۰۲	به نظر شما تهدیدات فیزیکی (آزار و صدمه‌دیدن) علیه نخبگان سیاسی تا چه میزان در جامعه سیاسی وجود دارد؟
۰.۵	۱	۲.۷	۵	۱۸.۸	۳۴	۳۳.۳	۶۰	۴۴.۴	۸۰	به نظر شما تهدیدات اقتصادی (تصرف اموال، ...) علیه نخبگان سیاسی تا چه میزان در جامعه سیاسی وجود دارد؟
۲.۷	۵	۳.۳	۶	۱۱.۱	۲۰	۲۲.۷	۴۱	۶۲.۶	۱۱۳	به نظر شما تهدیدات حقوقی (دستگیری و زندانی شدن) علیه نخبگان سیاسی تا چه میزان در جامعه سیاسی وجود دارد؟
-	-	۰.۵	۱	۱۳.۳	۲۴	۲۷.۷	۵۰	۵۸.۴	۱۰۵	به نظر شما تهدیدات موقعیتی (از دست دادن شغل و تحقیر) علیه نخبگان سیاسی تا چه میزان در جامعه سیاسی وجود دارد؟

متغیر تهدیدات سیاسی نیز با ۴ گویه مورد پرسش قرار گرفت، در این میان تهدیدات حقوق به معنی امکان دستگیری و زندانی شدن از نظر پاسخ‌گویان نخبگان سیاسی معادل ۶۲/۷٪ خیلی زیاد و زیاد ارزیابی شده است. پس از آن تهدیدات موقعیتی به معنی از دست دادن شغل، تحقیر شغلی و اجتماعی از نظر پاسخ‌گویی معادل ۵۸/۳٪ از خیلی زیاد و زیاد ارزیابی شده است، پس از آن تهدیدات فیزیکی چون مورد آزار و اذیت قرار گرفتن (ضرب و شتم و....) معادل ۵۶/۶٪ قرار دارد و در پایان، تهدیدات اقتصادی معادل ۴۴/۴٪ قرار دارد. به طور کلی میانگین گویه‌ها معادل ۵۵/۵٪ می‌باشد، بدین معنی که کمی بیشتر از نیمی از پاسخ‌گویان امکان تهدیدات سیاسی در جامعه را متصور می‌دانند.

جدول (۹): توزیع فراوانی پاسخ‌گویان درباره خود انگیزتگی احساسی

تعداد پاسخ‌گویان										گویه‌ها
بی‌جواب		اصلاً		کم		متوسط		زیاد		
درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	
۱.۶	۳	-	-	۲۹.۴	۵۳	۳۳.۳	۶۰	۳۵.۵	۶۴	اگر مدت همخوانی (تجانس) انتظار نخبگان سیای جهت مشارکت در عرصه سیاسی با تجربه آنان در تعامل با نظام سیاسی در تولید احساس امنیت سیاسی آنان تأثیرگذار باشد؛ به نظر شما در حال حاضر این تجانس به چه میزان است؟
۱.۶	۳	۲.۲	۴	۲۲.۷	۴۱	۳۷.۳	۶۷	۳۶.۱	۶۵	اگر شدت یا عمق همخوانی انتظار نخبگان سیاسی جهت مشارکت در عرصه سیاسی با تجربه آنان در تعامل با نظام سیاسی در تولید احساس امنیت سیاسی مؤثر باشد؛ به نظر شما در حال حاضر این همخوانی به چه میزان است؟
۲.۲	۴	۰.۵	۱	۳۳.۳	۶۰	۲۷.۷	۵۰	۳۶.۱	۶۵	اگر وسعت یا دامنه همخوانی انتظار نخبگان سیاسی جهت مشارکت در عرصه سیاسی با تجربه آنان در تعامل با نظام سیاسی در تولید احساس امنیت سیاسی مؤثر باشد؛ به نظر شما در حال حاضر این همخوانی به چه میزان است؟

متغیر خودانگیختگی احساسی به عنوان متغیر واسطه با سه گویه مدت، شدت و وسعت مورد سنجش قرار گرفت. در خصوص مدت تجانس، ۳۵/۵٪ از پاسخ‌گویان به وجود تجانس اعتقاد دارند و در مقابل، ۲۹/۴٪ آن را کم و خیلی کم می‌دانند. در خصوص شدت و وسعت تجانس نیز از نظر پاسخ‌گویان ۳۶/۱٪ آن را خیلی زیاد و زیاد می‌دانند. در مقابل، ۲۲/۷٪ از پاسخ‌گویان در خصوص شدت تجانس و ۳۳/۳٪ از پاسخ‌گویان در خصوص وسعت و دامنه تجانس آن را خیلی کم و کم می‌دانند. در مجموع، فاصله بین انتظار و تجربه نخبگان در تعامل با نظام سیاسی زیاد ارزیابی می‌شود.

جدول (۱۰): توزیع فراوانی پاسخ‌گویان درباره احساس امنیت سیاسی

تعداد پاسخ‌گویان										گویه‌ها
بی‌جواب		اصلاً		کم		متوسط		زیاد		
درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	
۱.۶	۳	۲.۲	۴	۳۵.۵	۶۴	۲۲.۲	۴۰	۳۸.۳	۶۹	به نظر شما نخبگان سیاسی کشور به چه میزان احساس ایمنی از خطر و ریسک در فعالیت سیاسی دارند؟
۰.۵	۱	۱.۱	۲	۲۶.۱	۴۷	۲۳.۸	۴۳	۴۸.۳	۸۷	به نظر شما نخبگان سیاسی کشور به چه میزان احساس آرامش و اطمینان در فعالیت سیاسی دارند؟
-	-	۱.۱	۲	۲۷.۲	۴۹	۱۷.۷	۳۲	۵۳.۸	۹۷	به نظر شما نخبگان سیاسی کشور به چه میزان احساس آزادی مصرح در قانون اساسی در فعالیت سیاسی دارند؟
۰.۵	۱	-	-	۲۲.۷	۴۱	۳۲.۷	۵۹	۴۳.۸	۷۹	به نظر شما نخبگان سیاسی کشور به چه میزان احساس رضایتمندی از فعالیت سیاسی خود را دارند؟

متغیر وابسته احساس امنیت سیاسی دارای دو بعد احساس امنیت و احساس ناامنی سیاسی با گویه‌های مشخص مورد پرسش قرار گرفته‌اند. در جدول فوق احساس امنیت سیاسی با چهار گویه احساس ایمنی در فعالیت سیاسی که از نظر پاسخ‌گویان معادل ۳/۳۸٪، احساس آرامش و اطمینان در فعالیت سیاسی معادل ۳/۴۸٪، احساس آزادی در فعالیت سیاسی معادل ۸/۵۳٪، و احساس رضایت‌مندی از فعالیت سیاسی معادل ۸/۴۳٪ مورد پرسش قرار گرفته است. در این میان تنها گویه احساس آزادی بالاتر از میانگین کل قرار دارد و مابقی پایین‌تر از میانگین کل قرار دارد. در خصوص میانگین متغیر احساس امنیت سیاسی می‌توان گفت حدود ۶/۰۶٪ از پاسخ‌گویان احساس امنیت سیاسی را در بین نخبگان خیلی زیاد و زیاد می‌دانند.

جدول (۱۱): توزیع فراوانی پاسخ‌گویان درباره احساس ناامنی سیاسی

تعداد پاسخ‌گویان										گویه‌ها
بی‌جواب		اصلاً		کم		متوسط		زیاد		
درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	درصد	مطلق	
-	-	-	-	۸۸	۱۶	۳۳.۸	۴۳	۶۷.۲	۱۲۱	به نظر شما نخبگان سیاسی کشور به چه میزان احساس خطر و ریسک در فعالیت سیاسی دارند؟
-	-	۰.۵	۱	۱۰.۵	۱۹	۲۷.۳	۴۹	۶۱.۶	۱۱۱	به نظر شما نخبگان سیاسی کشور به چه میزان احساس عدم اطمینان و تردید در فعالیت سیاسی دارند؟
۱.۱	۲	۰.۵	۱	۷.۲	۱۳	۳۴.۳	۶۲	۵۶.۶	۱۰۲	به نظر شما نخبگان سیاسی کشور به چه میزان احساس ترس و اضطراب در فعالیت سیاسی دارند؟
-	-	۱.۱	۲	۱۱.۶	۲۱	۳۵.۵	۶۴	۵۱.۶	۹۳	نخبگان سیاسی کشور به چه میزان احساس نارضایتی در فعالیت سیاسی دارند؟

بعد احساس ناامنی سیاسی نیز با ۴ گویه مورد پرسش قرار گرفته است. از نظر پاسخ‌گویان ۶۷/۲٪ از نخبگان سیاسی احساس خطر و ریسک دارند (۳/۲)، ۶۱/۶٪ از آنان اعتقاد دارند نخبگان سیاسی در فعالیت سیاسی اطمینان ندارند و دچار تردید و شک هستند و ۵۶/۶٪ نیز نخبگان سیاسی را در فعالیت سیاسی دچار ترس و اضطراب می‌دانند و ۵۱/۶٪ نیز اعتقاد دارند نخبگان سیاسی در فعالیت سیاسی نارضایتی دارند.

در مجموع می‌توان گفت میانگین احساس ناامنی سیاسی در بین نخبگان سیاسی معادل ۵۹/۲۵٪ می‌باشد که با میانگین احساس امنیت سیاسی آنان تقارن منطقی دارد (۵۹/۲۵٪ در مقابل ۴۶/۰۶٪).

ج. آزمون فرضیه

بر اساس رگرسیون چندمتغیره احساس امنیت سیاسی R square تصحیح شده بین متغیر وابسته احساس امنیت سیاسی و متغیر واسط و مستقل‌ها، معادل ۰/۵۰ به دست آمده است، بدین معنی که عوامل اجتماعی اعتماد متقابل، ارزش‌های مشترک، نهادمندی سیاسی، تهدیدات سیاسی و خودانگیختگی احساسی توانستند ۵۰٪ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. در عین حال، در میان عوامل اجتماعی مطروحه در فرضیه اصلی پژوهش با نگاه به بتاهای استاندارد شده مشخص می‌گردد که در میان متغیرها، اعتماد متقابل با بتای معادل ۰/۵۴۳ بیشترین تأثیر را در احساس امنیت سیاسی دارد، در عین حال که متغیر واسط نیز از بتای ضعیف ولی قابل قبولی برخوردار است. در مقابل، متغیر ارزش‌های مشترک، به رغم اینکه در منطق نظری پژوهش و آزمون همبستگی دارای رابطه معنی‌دار می‌باشد، ولی در وزن بتا بسیار ضعیف و عملاً بی‌معنی ظاهر شده است. این نکته در مورد متغیر نهادمندی سیاسی نیز صادق است، زیرا به لحاظ آماری کاملاً بی‌معنی می‌باشد.

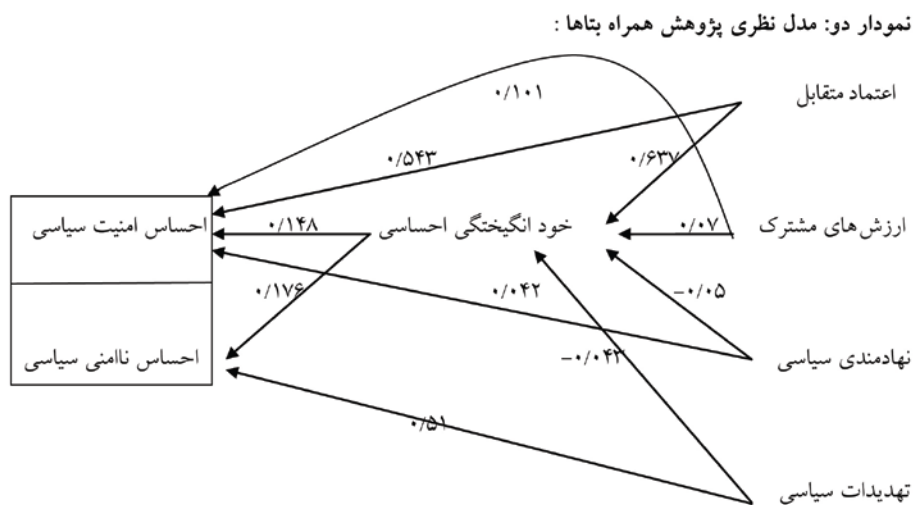
بر اساس رگرسیون چندمتغیره احساس ناامنی سیاسی و با توجه به R square استاندارد شده به دست آمده معادل ۰/۲۵۳، می‌توان گفت روابط بین متغیرهای مستقل و واسط با متغیر وابسته قابل قبول است. در این میان توجه به ضرایب بتاها نشان می‌دهد تهدیدات سیاسی با ضریب ۰/۵۱۰ بیشترین نقش را بر احساس ناامنی سیاسی دارد.

بنابراین می‌توان گفت فرضیات تحقیق از طریق رگرسیون چندمتغیره مورد تأیید نسبی قرار گرفت و در میان متغیرهای مستقل، اعتماد متقابل و ارزش‌های مشترک از طریق متغیر واسطه توانسته‌اند متغیر وابسته احساس امنیت سیاسی را تبیین نمایند، اما متغیر نهادمندی سیاسی توانایی تبیینی را نداشته است.

در وجه سلبی فرضیه مذکور که به احساس ناامنی سیاسی می‌پردازد، متغیر تهدیدات سیاسی توانست به صورت مستقیم احساس ناامنی سیاسی را توضیح دهد، اما از طریق متغیر واسطه رابطه ضعیف می‌باشد.

در ادامه، با استفاده از مدل نظری پژوهش تبیین فرضیه اصلی را مورد مذاقه بیشتر قرار می‌دهیم.

نمودار (۲): مدل نظری پژوهش همراه بتاها



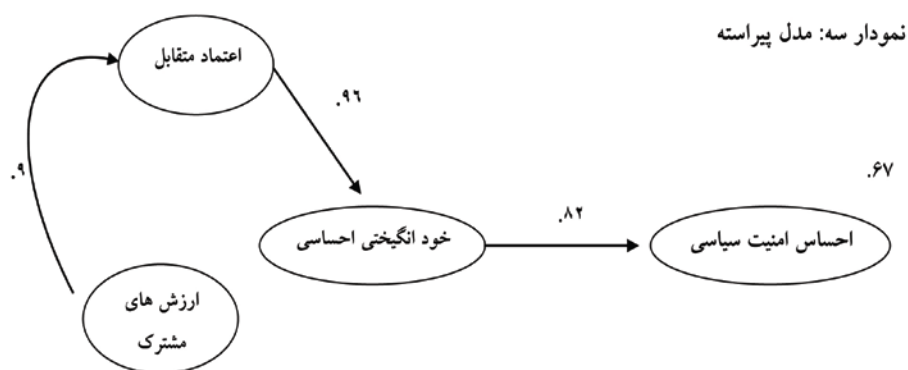
با نگاه به ضرایب معنی‌دار بتاها می‌توان گفت اعتماد متقابل هم از طریق خودانگیختگی احساسی و هم به صورت مستقیم بر احساس امنیت سیاسی با ضرایب معادل ۰/۶۳۷ و ۰/۵۴۳ تأثیرگذار است. در مقابل، تهدیدات سیاسی به صورت مستقیم با ضریب بتای ۰/۵۱ بر احساس ناامنی سیاسی تأثیرگذار است.

متغیر مستقل ارزش‌های مشترک با ضریب بتای ضعیف معادل ۰/۱۰۱ به صورت مستقیم بر احساس امنیت سیاسی تأثیرگذار است، اما رابطه آن با خودانگیزگی احساسی به لحاظ آماری بی‌معنی می‌باشد (۰/۰۷۰).

متغیر مستقل نهادمندی سیاسی دارای بتای بی‌معنی در ارتباط با متغیرهای واسط و وابسته می‌باشد (۰/۰۴۲ و ۰/۰۵۰). ضمناً متغیر واسط خودانگیزگی احساسی در ارتباط با احساس امنیت سیاسی و ناامنی سیاسی نیز دارای بتای معنی‌دار می‌باشد (۰/۱۴۸ و ۰/۱۷۶). بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت در وجه ایجابی احساس امنیت سیاسی از میان متغیرهای مستقل پژوهش، اعتماد متقابل چه به صورت مستقیم و چه از طریق متغیر واسط و متغیر مستقل ارزش‌های مشترک به صورت مستقیم، ولی ضعیف فرضیه اصلی را حمایت می‌کنند و متغیر نهادمندی سیاسی در هر دو وضعیت، به لحاظ آماری بی‌معنی می‌باشد. از سوی دیگر، متغیر واسط نیز با ضریب بتای ۰/۱۴۸ بر متغیر وابسته تأثیرگذار است.

در وجه سلبی احساس امنیت سیاسی (احساس ناامنی سیاسی)، متغیر مستقل تهدیدات سیاسی به صورت مستقیم با بتای ۰/۵۱ بر متغیر وابسته تأثیرگذار است. بنابراین، می‌توان گفت بر اساس مبانی نظری پژوهش در زمان تجانس خودانگیزگی احساسی بر وجه ایجابی احساس امنیت سیاسی و در زمان عدم تجانس بر وجه سلبی احساس امنیت سیاسی مؤثر است.

نمودار (۳): مدل پیراسته



برای تصحیح و پالایش مدل از تحلیل مسیر و نرم افزار آموس^۱ استفاده شد. مدل تحلیل مسیر بدست آمده، در واقع پالایش متغیرها و استاندارد شده مدل می‌باشد. با توجه به نمودار می‌توان گفت با پالایش معادله از میان متغیرهای مستقل تنها اعتماد متقابل و ارزش‌های مشترک بیشترین ارزش را در معادله دارند، بدین معنی که ارزش‌های مشترک با ضریب ۰/۹ بر اعتماد متقابل تأثیرگذار است و اعتماد متقابل با بیش از ۰/۹۶ بر برانگیختگی احساسی تأثیر می‌گذارد و در نهایت، خودانگیختگی احساسی نیز با ضریب ۰/۸۲ بر احساس امنیت سیاسی تأثیرگذار است. کل متغیرهای موصوف نیز می‌توانند ۶۷٪ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

نتیجه گیری

بر اساس نتایج این پژوهش، احساس امنیت سیاسی در بین نخبگان سیاسی در سطح پائین‌تر از میانگین قرار دارد. با توجه به فرضیات پژوهش می‌توان گفت متغیرهای مستقل اعتماد متقابل، ارزش‌های مشترک، نهادمندی سیاسی و تهدیدات سیاسی از منظر پاسخ‌دهندگان عوامل اصلی و مؤثر بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور می‌باشد. در این میان متغیر اعتماد متقابل چه به صورت مستقیم و چه از طریق متغیر واسطه بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد. در مقابل، تهدیدات سیاسی نیز بیشترین نقش را در احساس ناامنی سیاسی دارد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود:

۱. با توجه به اینکه احساس امنیت در دنیای امروز به مراتب مهمتر از خود امنیت می‌باشد، احساس امنیت سیاسی نیز چنین ویژگی را داراست. از سوی دیگر، بر اساس دستورات بزرگان دینی و آموزه‌های اسلامی، یکی از مهمترین وظایف نظام اسلامی حفظ و بازتولید امنیت در ابعاد ذهنی و عینی در حوزه سیاسی در جامعه می‌باشد. امام رضا (ع) یکی از ابعاد امامت را به سامان آمدن نظام مسلمانان، صلاح دنیا و عزت مؤمنان دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۵۹). بنابراین، پیشنهاد می‌گردد مراکز سیاست‌گذاری کلان کشور به موضوع

- احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور در چارچوب سند مصوب چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران و تحقق جامعه امن، عنایت ویژه داشته باشند.
۲. با توجه به اینکه در میان شاخص‌های ارزش‌های مشترک بین نخبگان سیاسی و نظام سیاسی، نقش رهبری (ولایت فقیه) در اداره کشور بالاترین فراوانی را دارد، می‌توان گفت رهبری معظم در جامعه سیاسی ایران نقش وحدت‌آفرین دارد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد از این ظرفیت اعتقادی و قانونی در ارتقاء احساس امنیت سیاسی نخبگان کشور استفاده شود.
۳. بر اساس نتایج این پژوهش، اعتماد متقابل بین نخبگان سیاسی و نظام سیاسی بیشترین نقش را در شکل‌گیری احساس امنیت سیاسی آنان دارد. از سوی دیگر، در میان شاخص‌های اعتماد متقابل، بالاترین فراوانی را احساس تعلق و وفاداری نخبگان سیاسی به نظام سیاسی و پائین‌ترین فراوانی را میزان همکاری متقابل دارد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود با ایجاد ساز و کارهای مشارکت‌جویانه، میزان تعاملات و ارتباطات آنان با ساختارهای سیاسی را افزایش و مشکل ارتباطی موجود را مرتفع و زمینه همکاری متقابل نخبگان سیاسی را در امور کشور مهیا نمود.
۴. با توجه به اینکه میانگین احساس وجود تهدیدات سیاسی در بین نخبگان سیاسی کشور بالاتر از میانگین می‌باشد و در میان شاخص‌های آن تهدیدات حقوقی بیشتر از سایر صور می‌باشد، پیشنهاد می‌شود ساماندهی، قانون‌مندکردن و شفاف‌سازی عرصه کنش نخبگان سیاسی کشور (عرصه سیاسی) در دستور کار متولیان امر قرار گیرد تا کلیه رفتارهای متقابل نظام سیاسی و نخبگان سیاسی قانون‌مند و قابل پیش‌بینی شود.
۵. با توجه به نتایج به دست آمده در خصوص نهادمندی سیاسی، پیشنهاد می‌گردد سازوکارهای لازم جهت افزایش کارایی و کارآمدی تشکل‌ها و احزاب سیاسی در کشور اتخاذ گردد، تا فعالیت‌های سیاسی نهادینه شده و مانع خروج فعالیت‌های مذکور از مجاری قانونی و رسمی شود.

منابع

- آیه ... خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۷)؛ *امنیت سیاسی*، تهران: بانک نشریات
- آیه ... خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰)؛ «سخنرانی در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی»، *خبرگزاری ایرنا*
- آیه ... جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)؛ *مفاتیح الحیاة*، قم: اسراء
- احمدی، حبیب و عربی، علی (۱۳۸۹)؛ «سرمایه اجتماعی و احساس امنیت: مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه شیراز»، *فصلنامه دانشگاه شیراز*
- افروغ، عماد (۱۳۸۱)؛ «جامعه‌شناسی امنیت: مؤلفه‌ها و ریشه‌های تاریخی»، *راهبرد*، شماره ۲۶
- امانت، حمید و دیگران (۱۳۷۹)؛ *مفهوم‌شناسی امنیت (تهدیدات امنیتی)*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۸)؛ «بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)»، *تحقیقات علوم اجتماعی ایران*، شماره اول
- بوزان، باری، ویور، الی و پاپ دووید (۱۳۸۶)؛ *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- حیدری، اله‌رحم و دیگران (۱۳۹۰)؛ «جهانی‌شدن فرهنگ و احساس امنیت سیاسی: مطالعه موردی جوانان شهر شیراز»، *رنامه سیاست‌گذاری*، سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)؛ *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران
- ربانی خوراسگانی، علی و کیانپور، مسعود (۱۳۸۸)؛ «جامعه‌شناسی احساسات»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره پیاپی ۱۶
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶)؛ *اعتماد، نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: شیرازه
- سویینی، بیل مک (۱۳۹۰)؛ *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی امنیت*، ترجمه محمدعلی قاسمی و آهنی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی
- عبداله‌خانی، علی (۱۳۸۹)؛ *نظریه‌های امنیت*، تهران: ابرار معاصر
- فیلک، اووه (۱۳۸۷)؛ *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی خلیلی، تهران: نی
- کلمنتس، کوین (۱۳۸۴)؛ «به سوی جامعه‌شناسی امنیت»، محمدعلی قاسمی، *مطالعات راهبردی*، شماره ۲۴
- گال، مردیت، بورگ، والتر و جوئیس گال (۱۳۸۷)؛ *روشهای تحقیق کمی و کیفی*، ترجمه احمدرضا نصر و دیگران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سمت، جلد اول

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)؛ *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: مرکز گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)؛ *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز ماندل، رابرت (۱۳۷۷)؛ *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی نبوی، سید ابوالحسن و دیگران (۱۳۸۷)؛ «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان اهواز)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۱، شماره پیاپی ۴۰، صص ۹۶-۷۳
- ویر، ماکس (۱۳۶۸)؛ *دانشمند و سیاستمدار*، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: دانشگاه تهران
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۶۸)؛ *سامان سیاسی در کشورهای در حال دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علم
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۰)؛ *تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی

- [http://en.wikipedia.org/wiki/security-sector-reform\(2009\)](http://en.wikipedia.org/wiki/security-sector-reform(2009))
- Lindstrom, Martin & Other (2003); "Social Capital and Sense of Security in the Neighborhood", *Social Science & Medicine*, Vol. 5, pp.1111-1120
- Schneier, Bruce (2008); The psychology of security, <http://www.schneier.com/essay-155.html>
- Stets, Jan. E (2012); "Current Emotion Research in Sociology: Advances in the Discipline", *Emotion Review* 4: 326 <http://emr.sagepub.com/content/4/3/326>
- Thoits, Peggy, A. (1989); "The Sociology of Emotions", *Annual Review of Sociology*, Vol. 15, pp. 317-342
- Turner, Jonathan, H & Jane, Stets (2005); *The Sociology of Emotions*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Turner, Jonathan, H. (1999); "Toward A General Sociological Theory Emotions", *Journal for the social Behavior*, 29(2) pp. 62-133
- Turner, Jonathan H. (2009); "The Sociology of Emotions: Basic Theoretical Arguments", *Emotion Review* 1: 340 <http://emr.sagepub.com/content/1/4/340>
- Wendt, Alexander (1999); *Social Theory of International Politics*, Cambridge: Cambridge University Press.